

بسم الله الرحمن الرحيم

موضوع: جهاد جلسه پنجم تاریخ: ۸۷/۷/۲۰

الحمد لله رب العالمين و الصلاة والسلام على خاتم الانبياء
والمرسلين سيدنا و نبينا أبا القاسم محمد و على أهل بيته الطيبين
الطاهرين المعصومين سبما بقية الله في الارضين واللعن على أعدائهم
أجمعين.

یکی از بحث های مربوط به جهاد که در اوایل بحث جهاد
مورد بررسی قرار می گیرد، مسأله وجوب جهاد است که در کتب فقهی
ما مثل جواهر جلد ۲۱، منتهی علامه جلد ۱۴، تذکره جلد ۹، خلاصه
درکتاب های مربوط به فقه یکی از بحث های مهم بحث وجوب جهاد
است که از لحاظ کتاب و سنت یکی از ضروریات اسلام می باشد
همانطور که ذکات، الصلاة وجوبشان از ضروریات است، وجوب جهاد
نیز به همین ترتیب است بلکه می توان گفت که از طهارت تا دیات در
کتاب های فقهی ما در هیچ بحثی به اندازه جهاد آیات قرآن نداریم حالا
کسی اگر بخواهد آیات قرآن که مربوط به جهاد است دقیقاً جمع کند
شاید بیشتر ابواب فقهی باشد، از این جهت عنایت به این بحث به آیات
قرآن بیش از همه موضوعات است.

ما چند جلسه درباره مقدمات جهاد بحث کردیم با توفیق
پروردگار متعال بحث امروز درباره وجوب جهاد است. پیغمبر اسلام
(ص) که مبعوث شدند به این ترتیب مشی خودشان را قرار دادند با
توجه به آیات قرآن {اقرأ باسم ربك الذي خلق} از جانب خداوند
مأمور شدند که مردم را دعوت کنند با خواندن آیات قرآن، قدم بعد {یا
ایها المدثر قم فانذر} انظار و تبلیغ مردم، قدم سوم {فانذر عشیرتک
الاقربین} به تدریج وسعت پیدا می کرد کسانی که باید مورد تبلیغ
احکام خداوند قرار بگیرند، مأمور به اینکه خویشاوندان خود را دعوت
به اسلام کنند. قدم چهارم {لتنذر ام القرى و من حولها} که مکه، ام
القرى بود و من حولها را قدم به قدم بانذار الناس، در اینجا همه مردم
دنیا را انداز می کند {قل یا ایها الناس} کل مردم {انی رسول الله الیکم
جمیعا} {وما ارسلناک الا رحمة للعالمین} با توجه به این آیات با این
ترتیب، معلوم می شود که دعوت تدریجی بوده و دعوت که مرحله به
مرحله وسعت پیدا می کند تا می رسد به اینجا که همه مردم دنیا مورد
دعوت قرار می گیرند.

درمساله دعوت، فقط ۱۳ سال در مکه در مورد مسأله
اعتقادی است چون اعتقاد را با شمشیر نمی توان بوجود آورد اول باید

مردم را مؤمن کرد از این جهت در این ۱۳ سال در مکه جهاد نیست
فقط تبلیغ است و دعوت به خدا تا آن اعتقاد درونی بوجود بیاید هیچ
گاه شمشیر نمی تواند این کار را انجام دهد بعد به مدینه که هجرت می
شود اسلام تثبیت می شود، تعداد زیادی از افراد از لحاظ عقیده و ایمان
ساخته شدند.

مسلمان ها درمکه عجله می کردند در برابر جریان های
بوجود آمده از این طرف دعوت بود و منطوق و استدلال و از آن طرف
مشرکین شکنجه هایی داشتند، آرام نمی نشستند هر کسی که مسلمان می
شد او را شکنجه می کردند می کشتند مثل کشتن یاسر و سمیه و امثال
آنها. اگر واقعا این جریان ها بوجود نمی آمد شاید اصلا جهادی بوجود
نمی آمد اما رسالت اسلام این است که بایستی بالاخره اسلام تثبیت شود
از طرفی هم آنها علاوه بر این که در طول اقامت در مکه آنقدر آزار و
اذیت و کشتار داشته اند به مدینه که آمدند همانها حرکت کردند و به
مدینه آمدند برای از بین بردن اسلام نوپا این است که ناچار باید جهاد
بوجود بیاید جهاد یک امر فطری است تمام احکام اسلام فطری است هر
انسانی فطرتاً حتی قبل از اسلام هم، هر انسانی که مورد تهاجم قرار می
گیرد یا جان یا چیزی که عزیزتر از جاننش است، به خودش لازم می
داند که جهاد کند و دفاع کند بعد از این که آنها به فرهنگ اسلام پی
بردند و آشنا شدند اسلام و ایمان و عقیده برایشان از جانشان عزیزتر
شد و آن را در خطر می دیدند و از این جهت خداوند متعال اول به این
تعبیر {أذن للذین یقاتلون بأنهم ظلموا مو ان الله علی نصرهم لقدیر} اول
تجویز می کند، این آیات از سوره حج سوره ۲۲ قرآن، بله اذن داده شد
به کسانی که مظلوم واقع شدند دست به شمشیر ببرند و جهاد کنند و بعدا
اگر آنها بخواهند به همان تجویز اکتفا کنند کار پیشرفت نمی کند، اسلام
باید پیشرفت کند ما بعدا خواهیم گفت جهادهای ابتدایی هم اسلام دارد،
اسلام یک رسالت است، می گوید که باید تمام کفر را ریشه کن کند،
ظلم و استکبار را ریشه کن کند، انواع جهاد بعدا بحث خواهد شد، خلاصه
تا به حال آنچه بود جهاد بود برای تجویز و رخصت بود اما {کتب
علیکم القتال}، {کتب} برای آن واجبی که مورد تاکید است بکاربرده
می شود مثل {کتب علیکم الصیام} {کتب علیکم القصاص فی
القتلی} {کتب علیکم القتال و هو کره لکم و عسی ان تکرهوا شیئا و هو
خیر لکم و عسی ان تحبوا شیئا و هو شر لکم والله یعلم و انتم لا
تعلمون} آیه ۲۱۶ از سوره بقره، برای شما مبارزه و قتال حتمی و قطعی
شد {و هو کره لکم} این اوایل، مساله قتال به صورت امر است، البته
برای مسلمان ها، نوع مسلمان ها نه افراد خیلی شایسته، برای آنها نا

روستاییان بود، (آیه ۸۶ از سوره توبه). {و جاهدوا فی الله حق جهاده} (آیه ۷۸ از سوره حج سوره ۲۲) فقط در دو جا این کلمه ذکر شده یکی در همین آیه و آیه دیگر {اتقوا الله حق تقاته} معلوم می شود این دو موضوع، موضوع بسیار مهمی است و آن چنان که شایسته پروردگار است باید انجام بگیرد، اینها کلمه جاهدوا بود که در چند جا ذکر شده بود. در چند جا قاتلوا آمده است {و قاتلوا فی سبیل الله الذین یقاتلونکم} آیه ۹۰ سوره بقره {و قاتلوا فی سبیل الله و اعملوا ان الله السميع العليم} {و قاتلوا اولیاء الشیطان ان کید الشیطان کان ضعیفا} (آیه ۷۶ سوره نساء این آیه مهم است). {فقاتلوا ائمة الکفر انهم لا یمن لهم} با پیشوایان کفر، چون بیشتر تقصیر با پیشوایان کفر است اگر پیشوایان تسلیم می شدند آنهایی که در طبقه دوم و سوم هستند نیز تسلیم می شدند پیامبر فرمودند(ص) در نامه هایی که نوشتم برای سلاطین این کلمه بود که {أسلم تسلم} اسلام بیار تا سالم بمانی {و الا فعلیک اثم المجوس} اگر اسلام نیآوری تمام ایرانیان هم اسلام نمی آورند و این گناهی به گردن تو است. امام (رضوانه الله علیه) در بیاناتش خیلی زیاد به این که مسلمانان همه با ما هستند و این سران کشور های اسلامی هستند، البته نه همه بلکه بعضی که با قدرت های استکباری مربوطند، برای حفظ منسب و مقام خودشان حاضر نیستند با ما همکاری کنند حتی با ما به مخالفت بر خواستند والا تمام مردم کشورهای مسلمان دلشان به طرف امام متمایل بود.

{فقاتلوا ائمة الکفر انهم لا یمن لهم} آنها ایمان و عهد و پیمان نمی فهمند. این آیه ۱۲ از سوره توبه است. {و قاتلوا المشرکین کافة کما یقاتلونکم کافة} آیه ۳۶ سوره توبه. آیه ای دیگر هست درباره بغات است، که بعدا می گوئیم یکی از جهادها جهاد با بغات است، بغات کسانی هستند که در برابر اسلام یا امام معصوم یا کسی که قائم مقام او است مخالفت می کنند و در برابر آن حکومت تسلیم نمی شوند {فقاتلوا الی تبغی حتی تفیء الی امر الله} با کسانی که بغاتند قتال نکنید تا برگردند به امر خدا، این آیه ۹ از سوره حجرات است سوره ۴۹ قرآن، آیات فراوانی وجود دارد.

اما دو سه نکته، {کتب علیکم و هو کره لکم} در اول امر بوده، برای اینکه جهاد برای مسلمانان ناخوشایند بوده چون هنوز به آن فرهنگ عمیق اسلام آشنایی پیدا نکرده بودند یعنی هنوز آن معارف اسلام در روح آنها نفوذ نکرده بود ولی بعدا آنها دیگر عاشق شهادت شدند و خیلی میل پیدا کردند برای جهاد و شهادت و در این موضوع از یکدیگر سبقت می گرفتند. در سوره توبه هست که {لیس علی الضعفاء

خوشایند بود، مشقت بود، از چه جهت مشقت بود؟ این وجوه در تفسیر المیزان در تفسیر این آیه وجود دارد، آیا از جهت این که می دانستند جنگ تلفات دارد جنگ مشقت دارد آیا از این جهت بود؟ یا از این جهت بود که می دیدند عده و عده آنها در برابر دشمن کم است؟ دشمن از لحاظ تجهیزات رزمی، نیرو و نفر قوی است از این جهت {کره لکم} یا از جهت بود که اسلام افراد را بر اساس شفقت و مهربانی و عا طفه تربیت کرده؟ امروز باید فرزند در برابر پدر شمشیر بکشد برادر در برابر برادر از این جهت {کره لکم} احتمال زیاد است ولی احتمال اول ارجحیت دارد اما بالاخره {و عسی ان تکرهوا شیء و هو خیر لکم}، {الله یعلم و انتم لا تعلمون} چه بسا چیزهایی است که در نظر شما مشکل است ولیکن برای شما خوب است و خیر شما در آن است و چه بسا شما چیزایی دوست می دارید استراحت و راحتی {و هو شر لکم و الله یعلم و انتم لا تعلمون} از اینجا شروع می شود به موضوع وجوب جهاد، آیات مربوط به وجوب جهاد در قرآن فراوان آمده است، کمتر واجبی است این قدر آیه داشته باشد، به عنوان نمونه در دو جای قرآن {یا ایها النبی جاهد الکفار و المنافقین و اغلظ علیهم} آیه ۷۳ سوره توبه است و یکی آیه ۹ سوره تحریم، توبه سوره نهم و تحریم سوره ۶۶ قرآن، همان طوری که امر به جهاد با کفار است امر به جهاد با منافقین هم می باشد. {و اغلظ علیهم} این جهاد هم باید با شدت و غلظت صورت بگیرد. آیه دیگر {فلا تطع الکافرین و جاهدکم به جهاد الکبیر} هرگز از کفار اطاعت نکن و جهاد کبیری باید در برابر آنها بوجود بیاید. آیه ۵۲ از سوره فرقان سوره ۲۵ قرآن مجید. در چهار جای قرآن جاهدوا (۱) {اتقوا الله و تابعوا الیه الوسیلة و جاهدوا فی سبیل} (آیه ۳۵ سوره مائده سوره پنجم قرآن کریم) {انفروا خفافا و ثقالا و جاهدوا باموالکم و انفسکم فی سبیل الله} سبک و سنگین، متأهل و مجرد، جوان و پیر البته پیری که به مرحله ای رسیده که نمی تواند حرکت کند او مستثنی است خلاصه تمام آن افراد {انفروا} حرکت کنید برای جهاد {و جاهدوا باموالکم و انفسکم فی سبیل الله} آیه ۴۱ سوره توبه، سوره توبه آیات در مورد جهاد فراوان دارد، {و اذا انزلت سورة ان امنوا بالله و جاهدوا مع رسوله استئذنک اولو الطول منهم} ای پیامبر هنگامی که سوره ای می آید که ایمان بیاورید و جهاد کنید (اولو الطول) یعنی ثروتمندان، بعدا می گوئیم که آیاتی هست درباره اینکه ثروتمندانی بودند متمتع، که آن تنعم زندگی مانع از شرکت در جهاد می شد و خداوند آنها را مذمت می کند در همین جنگ تحمیلی هم متمتعین که شرکت نمی کردند نوع شرکت کنندگان از محرومین و مستضعفین و

چون نمیتوانستند پیاده بروند ولی {أعينهم تفيض من الدمع} اشک چشمهایشان سرازیر بود {حزنا ألا يجدوا ما ينفقون} محزون بودند از اینکه ندارد وسایلی برای حرکت بطرف جبهه. این آیات، آیات ۹۱ تا ۹۲ سوره توبه سوره نهم قرآن است. در این جا چند مطلب وجود دارد، یکی این که جنگ و جهاد مطلبی نیست که از دست هر کسی بر بیاید چیزی که واجب شود مقدمه اش نیز واجب می شود، برای رفتن به جبهه تمرین لازم است مهارت لازم است بر افراد هم لازم است مقدمات جهاد را فراهم کنند. بحثی بعدا خواهد آمد که جهاد واجب عینی است یا کفایی ما قائل به این هستیم که یک مرتبه عینی است و به یک مرتبه کفایی مثل امر به معروف و نهی از منکر، در مرتبه ای آمادگی و یادگیری واجب عینی است. صاحب جواهر در جلد ۲۱ حدیثی نقل کرده حدیث از طرق عامه است، منتهی ایشان نقل کرده قال النبی (ص) {من لم یغز و لم یحدث نفسها بالغزو مات علی شعبة من النفاق} کسی که به جبهه نرفته یا خودش را آماده نکرده برای جبهه اگر بمیرد ایمان کامل ندارد، مسلمان کسی است که یا به جهاد رفته باشد یا اگر نرفته آمادگی جهاد رفتن را داشته باشد، بنابراین لازم است برای انجام این واجب افراد بروند مهارت رزمی کسب کنند، در جامع الشتات، میرزای قمی دارند که از ایشان سؤال می شود که موقعی که روسیه به ایران حمله کرد در زمان فتحعلی شاه قاجار که تا چند از شهرهای ما را گرفته اند، گنجه، ایروان و باکو و ... ۱۷ شهر از شهرهای ما در دو جنگ روسیه گرفته شد و هنوز هم در اختیار آنها است، در زمان قاجاریه این دو جنگ جنگ اولی به عهدنامه گلستان ختم شد که مفادش همه به ضرر ماست، دومی به عهدنامه ترکمنچای ختم شد اگر موادش را مطالعه کنید می بینید که چقدر جای تأسف است که در زمان قاجاریه این جنایات واقع شده، از بس که آنها مثل سایر سلاطین مشغول عیاشی و خودکامگی و ساختن کاخ ها و مجالس عیش و عشرت و شراب و قمار و از این قبیل چیزها بودند و مردم همینطور در فقر فرهنگی و مالی به سر می بردند، در آنجا از میرزای قمی که یکی از مراجع در قم بوده سؤال می شود (که ملا احمد نراقی در کاشان و سید شفقتی در اصفهان نیز از مراجع بودند که همین ها بعضی در جنگ شرکت داشتند) آیا امروز دفاع در برابر روسیه واجب است؟ آیا مردم می توانند بروند و شهرهایشان را از سوریه پس بگیرند؟ چون شهرهای ایران را که روسیه تصرف کرد تجاوز به ناموس مردم فراوان بود و بچه ها و جوان ها را مطابق با مذهب کفر تربیت می کردند به همین دلیل مردم خیلی در غم به سر می بردند و آرزو داشتند بروند و شهرهایشان را پس بگیرند،

و لا علی المرضى و لا علی الذین لا یجدون ما ینفقون حرج} این آیات مربوط به جنگ تبوک است، جنگ تبوک جنگ میان ایران و روم بوده است روم همان غرب امروز از اول در برابر اسلام تسلیم نشده هنوز هم تسلیم نیست، آن زیاده خواهی و آن بزرگ بینی و سلطه طلبی در غرب وجود دارد از این جهت حاضر نشدند در برابر اسلام تسلیم شوند. خود پیغمبر (ص) چند تا جنگ با آنها دارد یکی جنگ تبوک است، تبوک الان جزء اردن است، آن موقع اردن، فلسطین، سوریه، لبنان ... شامات نامیده می شدند جزو قلمرو روم بودند که آن روزها روم و ایران دوتا قدرت بزرگ بودند. قرآن از جنگ تبوک به ساعت عسرة تعبیر می کند چون جنگ بسیار سختی بود چون راه از مدینه تا تبوک دور بود، هوا بسیار گرم هنوز هم آذوقه و خاروبار بدست نیامده بود به این دلیل برایشان بسیار مشکل بود یک مشت آرد به نوبت تقسیم می کردند یک خرما را به نوبت می مکیدند، مرکب ها را به نوبت سوار می شدند در جنگ تبوک خود پیامبر حضور داشتند و رفت و برگشت یک ماه طول کشید.

جنگ دیگر با روم موته است موته هم در اردن است قبر جعفر طیار در موته که در اردن است می باشد، دو جنگ پیغمبر خدا با روم انجام داد. جنگ سوم با روم همان جیش أسامه بود پیغمبر خدا در حالت مرضی و احتضار بودند، جیش أسامه را تربیت داد برای جنگ با روم، منتهی نرفتند چون پیامبر مرض بودند آنهايي که فرصت طلب بودند نرفتند. پیغمبر فرموده بودند لعن الله کسی که تخلف کند از جیش أسامه، اینها به این دلیل ذکر شد که ما غرب را بهتر بشناسیم و ببینیم که امروز هم با اسلام مخالفند. وقتی که جنگ تبوک برپا شد پیامبر اعلام کردند که مردم بیایند اما {لیس علی الضعفاء و لا علی المرضى حرج} این ها معافند {و لا علی الذین لا یجدون ما ینفقون} کسانی که قدرت مالی نداشتند، جنگ مخارج لازم دارد و این ها نداشتند، بر اینها خرجی نیست، جمله مورد نظر این است {و لا علی الذین اذا ما اتوک لتحملهم قلت لا اجد ما احملکم علیه تولووا و اعینهم تفيض من الدمع} عده ای آمده بودند که به جنگ بیایند اما پیغمبر فرمودند که مرکب نداریم آنها برگشتند اما از چشمشان اشک جاری بود چون اشتیاق برای شرکت در جنگ را داشتند. آن {کره لکم} حالا تبدیل شده به اشتیاق و شوق، همین طور حرجی نیست بر کسانی که {اتوک لتحملهم} آمدند خدمت پیغمبر برای اینکه، ایشان آنها را همراه خود ببرند و مرکبی فراهم کند {قلت لا اجد ما احملکم علیه} پیغمبر فرمودند من چیزی ندارم برای شما به عنوان مرکب از آن استفاده کنید {تولووا} آنها ناچار برگشتند

ایشان می فرمایند، بر زن و مرد پیر و جوان واجب است که امروز فنون رزمی را یاد بگیرند و حرکت کنند، علما این طور نظر داشتند و مردم هم همت کردند، مردم تقصیر ندارند، فداکاری کردند اما چون سران فتحعلی شاه و عباس میرزا و ... با روسیه ساختن ما شکست خوردیم.

یکی از چیزهایی که در این بحث لازم است مسأله سبق ورمایه است که ما در فقه داریم برای همین است که بر مسلمانان لازم است که برای مقدمات جهاد فنون رزمی را یاد بگیرند و مهارت رزمی داشته باشند این یکی از مطالبی است که باید این را بحث کنیم ما که قائل نیستیم به کفایی بودن ولی آنهایی که کفایی می گویند می گویند {من به الکفایه} کافی است ولی خوب جنگ، جنگ است یک وقتی لازم است همه بروند، یک وقت لازم است نصفی بروند، یک چیزهایی واجب کفایی است و از قبل معلوم است چه چیزهایی است، مانند نماز میت که پنج نفر هم یاد بگیرند کافی است یا دفن میت، ولی این جنگ است یک وقت می بینیم جنگ صورت گرفت و لازم است همه بروند ما از کجا پیش بینی کنیم که باید ۵۰ نفر یا ۵۰۰ نفر یا بیشتر بنابراین یاد گرفتن فنون رزمی لازم است و مسأله سبق ورمایه از مطالبی است که باید در نظر داشته باشیم.

دوم این است که در دو جای قرآن آمده که {خذوا حذرکم} معنایش این است که شما نقاط آسیب را از طرف دشمن بدانید و به طور کلی جلوی آسیب پذیری ها را بگیرید و همیشه در حال آماده باش باشید.

اگر واقعا این آیات عملی می شد کار مسلمانان به این جا نمی رسید و در صدر اسلام عملی شد که مسلمانان آنقدر عزت و قدرت پیدا کردند {یا ایها الذین آمنوا خذوا حذرکم} آیه ۷۰ از سوره نساء است. حذر با حذر هر دو با حاءِ حَطَّی و ذال یعنی {ما یُحرز منه} هر چیزی که از آن می ترسید از آن جهت نگرانی دارید باید قبل از اینکه محقق شود شما آمادگی داشته باشید که آن را از بین ببرید، بنده اینجا بر اساس فکر خودم آمادگی را دسته بندی کرده ام، اول آمادگی علمی و فنی باید آنقدر از لحاظ فنی و علمی آمادگی داشته باشید آنچه مربوط به علم و فن است چون دشمن روز به روز فناوری های جدیدی درباره رزم دارد شما هم باید در آن راه گام بردارید آمادگی علمی و فنی داشته باشید امروز نمی شود با شمشیر و نیزه جنگ کرد آن زمان مسلمانان توانستند آمادگی علمی پیدا کنند در آن زمان دباهه داشتند، منجیق داشتند، شمشیر و زره داشتند انواع و اقسام زره و و امروز چیز دیگری است، در هر زمانی باید آمادگی داشته باشیم. (انواع آمادگی را

بحث می کنیم) اول آمادگی علمی، الان غیر از سابق است، سابق حوزه از مردم جدا بود، دولت از دین جدا بود، حوزه از دولت جدا بود، حوزه از دانشگاه جدا بود، حجاب ها و فاصله هایی بوجود آورده بودند برای اینکه وحدت بوجود نیاید حتی این مطلب را امام (رضوانه الله علیه) فرمودند که ۵۰ سال به گوش مردم خواندند که دین از سیاست جداست تا علماء و متدینین را از سیاست جدا کنند تا دشمن بتواند پیشرفت کند، بنده در یک روزی درباره انرژی هسته ای چیزی گفتم بعد یک نفر گفت، در درس از انرژی هسته ای چیزی نگویند درس را سیاسی نکنید. یعنی چه؟ آموز دیانت ما عین سیاست ماست، سیاست ما عین دیانت ماست، امروز ما باید با دنیا مربوط باشیم با جامعه مربوط باشیم انقلاب ریشه اش از شماست، شما باید تمام جریان ها را بدانید، پیش قدم باشید، تذکر بدهید، خیلی ها دلشان می خواهد شما وما طلبه ها را به طور کلی از انقلاب و سیاست جدا کنند ولی ما باید آن هدف خودمان را حفظ کنیم. امام (رضوانه الله علیه) توصیه و تأکید می کردند که علماء هیچگاه از سیاست جدا نباشند، سیاست یعنی اداره امور مملکت یکی از جهات اداره امور مملکت همین موضوع انرژی هسته ای است که بعدا بحث می کنیم البته بهره برداری انرژی هسته ای در جهت صلح و پیشرفت و ترقی. ولی ما با تسلیحات هسته ای که بخواهد کشتار و کشتن زنان و کودکان را به همراه داشته باشد مخالف هستیم مگر اینکه یک وقتی بتوانیم از آن طوری استفاده کنیم که بتوانیم به دشمن ضربه بزنیم، که دشمن از آن راه دیگر نتواند به ما ضربه بزند، نه برای کشتن انسانها و تخریب و کشتن زنان و کودکان بلکه برای جلوگیری از ضربه دشمن.

فهرست آمادگی را عرض کنم، اول آمادگی علمی است، دوم آمادگی بدنی و تمرینی است، سوم آمادگی فکری است، چهارم آمادگی استراتژیکی و تسلیحاتی است، پنجم آمادگی اقتصادی و بالاخره آمادگی روحی است. اینها همه در جهاد لازم اسم و مسأله {خذوا حذرکم} را فردا بحث می کنیم.